

## تبیین الگوی پارادایمی دانش و جایگاه راهبردی آن از منظر قرآن و روایات

اصغر باقرزاده، علی محمد احمدوند<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۹۷/۸/۲۵

تاریخ پذیرش: ۹۷/۸/۱۹

### چکیده

هر یک از مکاتب به تبیین دانش از منظر معرفت شناسی، هستی شناسی، انسان شناسی و روش شناسی مورد نظر خود پرداخته‌اند. اسلام به عنوان دائیه‌دار برترین دین و آخرین مکتب از سوی پروردگار بیشترین توجه خود را به دانش، اهمیت آن، کسب و عمل به آن اختصاص داده است. اما برای روشن شدن نحوه بهره‌مندی مورد توجه اسلام از دانش در این تحقیق با استفاده از روش تحقیق کیفی نظریه‌مبنایی یا داده بنیاد، مفاهیم مندرج در متون دو کتاب تفسیر تسنیم و میزان الحکمه مورد بررسی و کدگذاری باز، محوری و انتخابی قرار گرفت. مضمون محوری مورد نظر دانش بود و طی انجام این مراحل مفاهیم، مقوله‌ها و قضایایی در خصوص دانش و ویژگی‌های آن و همچنین مراتب و ارزشمندی آن استخراج و تبیین شد. مضامین حاصل از کدگذاری از منظر مشخصات عوامل ششگانه مدل پارادایمی نظریه داده بنیاد، یعنی عوامل علی، مضمون محوری، عوامل مداخله‌گر، بستر حاکم، راهبردها و پیامدها مورد توجه قرار گرفت و دسته‌بندی شد. سپس روابط میان این شش گروه تبیین گردید. بدین ترتیب هدف از انجام این تحقیق که تبیین مفهوم دانش و اجزاء و ارکان آن و نیز روابط میان این اجزاء و ارکان از منظر اسلام است، با استفاده مدل پارادایمی روش تحقیق نظریه‌مبنایی حاصل شد.

**کلید واژه‌ها:** ارکان دانش، مدل پارادایمی دانش، جایگاه راهبردی دانش، دانش در اسلام

۱. دانشجوی دوره سوم مدیریت راهبردی دانش دانشگاه عالی دفاع ملی و نویسنده مسئول، Bagher\_110@yahoo.com

۲. استاد دانشگاه ایوانکی

## مقدمه

قرآن کریم مخزن و جایگاه همه چیز را نزد پروردگار متعال<sup>۱</sup> و خداوند متعال با تعلیم انسان، او را بر خلاقیت برتری داد و به خلافت خود در زمین برگزید و به او نعمت دانش و ابزار کسب آن را از بدو تولد اعطاء کرد و سرانجام نیز رتبه هر کس در عالم باقی به میزان دانش او مشخص خواهد شد.<sup>۲</sup> در روایات فراوان از اهل بیت عصمت و طهارت صلوات الله علیهم اجمعین نیز، ایشان خود را عالم به تمام علوم معرفی کرده اند، به نحوی که هیچ دانشی در بین انسان ها یافت نمی شود مگر آنکه ریشه در علوم اهل بیت صلوات الله علیهم اجمعین دارد. (الکافی، ج ۱: ۳۹۹).

اهمیت بهره گیری از متون اصلی دین اسلام درباره دانش به حدی است که حضرت آیت الله امام خامنه ای درباره تولید علم می فرماید: "یکی از مصداق های روشن این است که ما رویکرد مصرف کنندگی علم را تبدیل کنیم به رویکرد تولید علم. تا کی دنباله رو علم این و آن باشیم؟" (بیانات در جمع اساتید دانشگاه ها، ۹۷/۰۳/۲۰).

در این پژوهش متن تفسیر تسنیم و میزان الحکمه با هدف استخراج مفاهیم اسلامی درباره دانش بررسی شد و از طریق روش تحقیق داده بنیاد خصوصیات و ویژگی های دانش مورد نظر اسلام تبیین شد. تبیین منسجم از منظر دین اسلام درباره دانش و روابط میان ویژگی های مختلف دانش و فرآیندهای مرتبط با آن نظیر کسب و به کارگیری دانش و معرفت شناسی منطبق با این مفاهیم لازم و ضروری است و راهنمای مناسبی برای اندیشه وران حوزه دانش و مدیریت دانش فراهم می کند. منظر اسلام منظری است که پروردگار متعال آن را حق و غیر آن را باطل معرفی می نماید<sup>۳</sup> و متدین به دینی غیر از اسلام را از پذیرفته نشدن دینش بیم می دهد.<sup>۴</sup>

۱. وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ - حجر - ۲۱ (ترجمه آیات در سراسر این پژوهش برگرفته از ترجمه آیت الله مکارم شیرازی است).

۲. وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً... وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا... بقره - ۳۰ و ۳۱

۳. مجادله - ۱۱

۴. آل عمران - ۱۹

۵. آل عمران - ۸۵

تحقیقات و پژوهش‌های انجام شده در زمینه دانش از منظر اسلام به اهمیت جایگاه دانش و کسب آن پرداخته‌اند و کمتر از منظر معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و روش‌شناسی به تبیین دانش و اجزای آن پرداخته‌اند. همچنین جامعه تحقیق یا محدوده تحقیق آنها گسترده نبوده و تنها به برخی آیات و روایات بسنده کرده‌اند؛ اما تلاش شده است تا در این تحقیق با استفاده از دو کتاب نسبتاً جامع تفسیر تسنیم و روایات میزان الحکمه، این نقصان برطرف شود.

## مبانی نظری و پیشینه‌شناسی تحقیق

### علم، دانش

علم به معنای دانستن، یقین کردن، (اقرب الموارد و ناظم الاطباء)، دریافتن (متهی الارب)، ادراک (اقرب الموارد)، استوار کردن (متهی الارب)، اتقان (اقرب الموارد)، یقین، فضل (ناظم الاطباء)، معرفت دقیق و با دلیل بر کیفیات معینه و یا حضور معلوم در نزد عالم (ناظم الاطباء)، معرفت و هر چیز دانسته، دانش، آگاهی، معرفت و شناسایی (ناظم الاطباء و لغتنامه دهخدا)؛ است. همچنین علم مصدر دانستن - دانش - آگاهی (لغتنامه دهخدا) است و دانش، دانستن - درایت - فقه - ادب - علم - حکمت - ادراک - شعور - وقوف - اطلاع - (لغتنامه دهخدا) می‌باشد. در لغتنامه لینگوس 'علم' به معنی درک روشن از یک حقیقت واقعیت و دانش 'به معنای اصول و علل قطعی یک حقیقت و واقعیت معنا شده است.<sup>۱</sup>

صرف نظر از اختلافی که بین معنای دانش و علم وجود دارد علم در معنای روان‌شناختی به معنای آن است که انسان اعتقادی نسبت به حقیقتی داشته باشد که احتمال خلاف آن را

۱ lingoos

۲ Knowledge

۳ Science

۴ Science: knowledge of principles and causes- ascertained truth of facts Knowledge: the act of state of knoweing – clear perception of fact – truth- certain apprehension

ندهد؛ یعنی احتمال صد در صد به چیزی علم گفته می‌شود. در این تعریف به احتمال اقوا بیش از پنجاه درصد ظن، به احتمال تساوی، شک و به احتمال زیر پنجاه وهم و ریب گفته می‌شود. معنای دیگر علم در حوزه معرفت‌شناختی است که به معنای گزاره‌ای است که با واقعیتی که از آن حکایت می‌کند سنجیده می‌شود. اگر گزاره مطابق واقع باشد علمی است و اگر با واقعیت مطابقت نداشته باشد به لحاظ معرفت‌شناختی غیرعلمی است و اعتباری ندارد. معنای دیگر علم در معنای عرفی است. در این معنا علم به مجموعه مسائلی گفته می‌شود که محور خاص و مشترکی میان آنان در نظر گرفته شود. مثلاً علم نحو، لغت، تاریخ و نظایر آن. علم در اینجا به معنای علم داشتن به کاربرد آن است. علم در یک اصطلاح دیگر معادل ساینس است. این اصطلاح چند قرن است که پدید آمده و منشأ آن‌هم در مغرب زمین بوده و بعداً به زبان‌های دیگر ترجمه شده است. در زبان فارسی معادل علم را برای ساینس بکار برده‌اند. این اصطلاح بعد از رنسانس مطرح شده و معنای خاصی در مقابل ناولج<sup>۱</sup> که مطلق معرفت‌ها را شامل می‌شود پیدا کرده است. ناولج<sup>۲</sup> را در فارسی دانش ترجمه کرده‌اند.

اما علم بر اساس اصطلاح ساینس<sup>۳</sup> مجموعه قضایایی است که مهم‌ترین شرطشان این است که اثبات محمول برای موضوع آن‌ها باید از راه تجربه حسی بوده و قابل‌ارائه به دیگران باشد؛ اما اگر از راه‌های دیگر مانند قیاسات عقلی، وحی و یا شهود عرفانی حاصل شده باشد، علم نیست. در مقابل خیلی از معرفت‌ها هست که معرفت و شناخت است و صد درصد انسان یقین دارد و یا برهانی محکم‌تر از تجربه دارد ولی به آن علم نمی‌گویند!

پس به طور کلی علم دارای دو معناست. به یک معنا، مطلق آگاهی است. همان‌گونه که اهل منطق در تعریف آن گفته‌اند: العلم هو الصورة الحاصلة من الشی عندالعقل. در معنای

۱ Science

۲ Science

۳ Knowledge

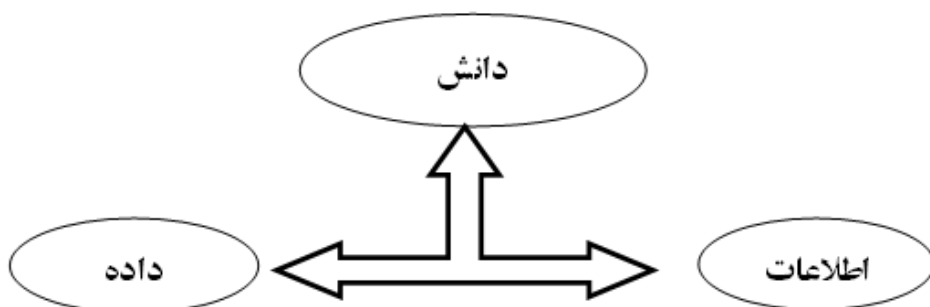
۴ Knowledge

۵ Science

دوم، مراد علوم تجربی است که عبارت است از بررسی روابط میان پدیده‌ها به منظور کشف قانون.

### دانش در مدیریت دانش

دانش در سال‌های اخیر به عنوان یک منبع حیاتی هر سازمان مورد توجه قرار گرفته است. از منظر دانشمندان علم مدیریت دانش، سطوح دانش عبارت است از داده، اطلاعات، دانش و خرد. پیتر دراگر<sup>۱</sup> داده<sup>۲</sup> را رشته واقعیت‌های عینی و مجرد در مورد رویدادها تعریف می‌کند و می‌توان گفت داده‌ها واقعیت‌های خام هستند. داده‌ها زمانی به اطلاعات تبدیل می‌شوند که ارائه‌دهنده آن‌ها، معنی و مفهوم خاصی به آن‌ها ببخشد. دانش<sup>۳</sup> وسیع‌تر، غنی‌تر و عمیق‌تر از داده‌ها و اطلاعات است و مجموعه سازمان‌یافته‌ای از بیان حقایق یا ایده‌ها است که یک قضاوت (نظر) منطقی یا یک نتیجه تجربی را ارائه می‌کند شکل ۱ ارتباط بازگشتی بین داده، اطلاعات و دانش را نشان می‌دهد (گانب دی بات - ۲۰۰۱).



شکل ۱ ارتباط بازگشتی بین داده، اطلاعات و دانش را نشان می‌دهد (گانب دی بات، ۲۰۰۱)

۱ Peter Drucker

۲ Data

۳ Knowledge

## انواع دانش

برخی صاحب‌نظران کوشیده‌اند با ارائه انواع دانش، مفهوم آن را روشن‌تر سازند. مک لوپ (۱۹۶۲)، پنج نوع دانش را معرفی می‌کند: دانش عملی، فکری (عقلانی)، سرگرمی و گفتگوی معمولی،<sup>۳</sup> معنوی<sup>۴</sup> و دانش ناخواسته.<sup>۵</sup> ریل (۱۹۴۹) دانش را به دو نوع رویه‌ای<sup>۶</sup> و دانش توضیحی<sup>۷</sup> تقسیم می‌کند.

در مطالعات سازمان‌های معاصر، بلاکسر (۱۹۹۵)، خلاصه‌ای از پنج نوع دانش به نام‌های: دانش انتزاعی،<sup>۸</sup> دانش عملی،<sup>۹</sup> دانش فرهنگی،<sup>۱۰</sup> دانش رابطه‌ای<sup>۱۱</sup> و دانش نمادی<sup>۱۲</sup> معرفی شده است.

در مطالعات مدیریت استراتژیک، اسپندر (۱۹۹۸)، چهار نوع دانش سازمانی را بیان می‌کند: دانش آگاه، دانش نمود یافته، دانش خودکار و دانش گروهی. همچنین در سیستم‌های اطلاعاتی، علوی و لیدنر (۲۰۰۱)، ده نوع دانش با این عناوین بیان می‌شود: دانش ضمنی، دانش صریح، دانش فردی، دانش اجتماعی، دانش توضیحی، دانش رویه‌ای یا دانستن چگونگی موضوعات، دانش سببی یا دانستن چرایی موضوعات، دانش شرطی یا دانستن زمان موضوعات، دانش نسبتی یا دانستن (رابطه) موضوعات با یکدیگر و دانش عملی (اوکنوی، ۲۰۰۳).

## دیدگاه اسلام درباره علم و دانش

۱ Practical

۲ Intellectual

۳ Small. talk and Passtime

۴ Spiritual

۵ Unwanted

۶ Procedural

۷ Declarative

۸ Embrained

۹ Embodied

۱۰ Encultured

۱۱ Embedded

۱۲ Encoded

در اسلام دانشمندان و عالمان دینی بر اساس متن وحی و متون روایی با بحث پیرامون علم به تبیین آن پرداخته‌اند. در ادامه مهمترین آرای موجود در خصوص علم و دانش ارائه می‌شود.

### علم در عوالم سه‌گانه

امام خمینی (ره) معتقد است انسان به‌طور کلی دارای سه نشئه و صاحب سه مقام و عالم است: اول، نشئه (عالم) آخرت و عالم غیب و مقام روحانیت و عقل؛ دوم، نشئه (عالم) برزخ و عالم متوسط بین العالمین و مقام خیال؛ سوم، نشئه (عالم) دنیا و مقام ملک و عالم شهادت، برای هر یک از این‌ها نیز کمال خاصی و تربیت مخصوصی است و عملی است مناسب با نشئه و مقام خود و انبیاء، علیهم‌السلام، متکفل دستور آن اعمال هستند؛ بنابراین کلیه علوم نافع به این سه علم، یعنی، علمی که راجع است به کمالات عقلیه و وظایف روحیه و علمی که راجع به اعمال قلبی و وظایف آن است و علمی که راجع به اعمال و وظایف عالم ظاهر نفس، تقسیم می‌شود (صحیفه نور ۱۳۷۲: ۳۸۶).

### علم نور است

علم مانند نوری است که روشنایی‌بخش همه چیز است، ولی خود با چیزهای دیگری که روشنایی ندارند، دیده نمی‌شود (حائری به نقل از دکتر نوروزی ۱۳۸۹). پس هر دیدنی به‌وسیله نور دیده می‌شود و اگر نور نبود حس ظاهری ما نمی‌دید. وقتی که چیزی را ادراک می‌کنیم آن چیز برای ما روشن می‌شود یعنی نور می‌شود. در حدیث است العلم نور یقذفه الله فی قلب من یشاء یعنی علم به ذات نور است یعنی روشنایی است. معلوم در پرتو علم روشن می‌شود و معلوم چیزی جز علم نیست. پس نوری که حس من می‌تواند با آن ببیند نور حس است و نوری که در پرتو آن حقایق روشن می‌شود نور علم است (دینانی، ۱۳۷۰).

## علم حضوری و حصولی

علامه طباطبایی نیز مفهوم علم را امری بدیهی و بی‌نیاز از برهان دانسته و آن را حضور مجردی برای مجرد دیگر یا حصول بالفعل معلوم برای عالم تعریف می‌کند. او ضمن ارائه این تعریف، مطلق علم را در ارتباط با معلوم منحصرأً به دودسته تقسیم می‌کند: ۱- علم حضوری که در آن خود معلوم نزد عالم وجود دارد و بنابراین حضور او بی‌واسطه درک و دریافت می‌شود؛ ۲- علم حصولی که دستیابی به معلوم به واسطه مفهوم و تصویری که ذهن از آن دارد، نه از طریق حضور خود معلوم نزد عالم. مثل علم به موجودات خارجی (حائری به نقل از دکتر نوروزی، ۱۳۸۹).

بر اساس همین تقسیم‌بندی می‌توان مردم را به دودسته عالم و غیر عالم تقسیم کرد. عالم نیز از آن جهت که واجد کمالات از کمالات است، شقوق گوناگونی دارد:

الف. کسانی که به بعضی امور عالم‌اند؛ ولی اصل علم و ریشه آن شمرده نمی‌شوند، چون علم خود را از دیگران فراگرفته‌اند. بر این اساس دو مرتبه برای علم متصور است:

- ابتدایی‌ترین مراتب علم، انعکاس محض موضوعی است که به‌وسیله حواس و ابزارهای ادراکی به ذهن انتقال می‌یابد. در این مرتبه ذهن هیچ تفاوتی با آینه ندارد، جز در موضوعاتی که نمود محسوس ندارند، مانند علیت که تصور آن مانند تصور شیء محسوس در آینه نیست. این مرتبه را استاد، ماقبل علم می‌نامد.
- در مرتبه بعد، موضوع انعکاس یافته در ذهن در مجرای آگاهی‌های ثانوی و هدف‌گیری‌ها و اصول و قوانین حاکم بر جهان قرار می‌گیرد. علم ما به یک موضوع، در این مرتبه، روشن‌تر از مرتبه اول است، چون انعکاس محض نیست. ذهن در این مرحله آگاهی‌های بسیاری درباره یک پدیده به دست می‌آورد و به شناسایی ارتباط آن با سایر پدیده‌ها می‌پردازد. آگاهی‌های ذهنی ناظر، به هنگام درک یک برگ، موجب می‌شود تا فقط نمود فیزیکی برگ را شناسایی نکند، بلکه



آن را از ابعاد مختلف بررسی کند و به آن برگ گل همچون حلقه‌ای از حلقه‌های زنجیر عالم هستی بنگرد (نصری، ۱۳۸۹).

## علم و دین

از نظر آیت‌الله جوادی آملی علم به معنای «فن جامع مسائل هماهنگ» از جهات گوناگون قابل تقسیم است به: حقیقی و اعتباری، عقلی و نقلی، انسانی و طبیعی، تجربی و تجریدی، برهانی و عرفانی، نظری و عملی و امثال آن؛

روش شناخت، اعم از شناخت تجربی یا تجریدی یا تلفیقی به این است که محقق «اولاً عقل و سایر مجاری ادراکی را خلقت خداوند بداند؛ ثانیاً رهنمود الهی را که در نهان عقل معارفی مدفون است و رهبران الهی آن دفائن و گنجینه‌ها را آشکار می‌کنند فیض خدا بشمارد؛ ثالثاً هر علمی که بهره عقل شده یا می‌شود فیض الهی تلقی کند و رابعاً سرمایه‌های اولی دانش نظری یعنی بود و نبود را که خداوند به‌عنوان علوم فطری به وی عطا کرده فوز الهی بداند؛ چنین محقق تمام تحقیقات خود را موهبت الهی می‌داند نه دستاورد بشری و هیچ‌گاه دانش نفت شناسی، گاز شناسی و سایر دانش‌ها را بشری نمی‌شمرد، بر این اساس اصلاً علم غیردینی نداریم نه زمین‌شناسی و نه هیچ علم دیگری نه مطلق و رهاست و نه غیردینی، بلکه فقط دینی است (جوادی آملی، ۱۳۸۵).

## علم برابر ادراک

علامه مطهری علم را بینش وسیع و گسترده انسان درباره جهان می‌داند که محصول کوشش جمعی بشر بوده و در طی قرون و اعصار روی هم انباشته شده و تکامل یافته است. این بینش که تحت ضوابط و قواعد و منطوق خاص در آمده نام «علم» یافته است علم به معنی اعم یعنی مجموع تفکرات بشری درباره جهان که شامل فلسفه هم می‌شود محصول کوشش جمعی بشر است که نظم خاص منطقی یافته است. همچنین پس از تعریف ایمان چنین نتیجه گرفته‌اند که: تفاوت عمده و اساسی انسان با جانداران دیگر که ملاک «انسانیت» او است و انسانیت وابسته به آن است، علم و ایمان است (مطهری، مجموعه آثار، ۱۳۸۵: ۲۴).

شیخ‌الرئیس ابوعلی سینا در موارد متعددی علم را تعریف کرده است که خلاصه آن عبارت است: ادراک تمثیل حقیقت چیزی نزد مدرک. شیخ معتقد است که خود خارج نمی‌تواند نزد مدرک حاضر باشد پس باید صورت انتزاع شده از خارج نزد فاعل ادراک، حاضر شود (ابن‌سینا، الاشارات و التنبیهات: ۱۳۷۹). صدرالمتهلین نیز علم را این‌گونه تعریف می‌کند: به گواهی و تائید تحقیقات گسترده و حدس صحیح و فطرت سلیم و در پرتو تلاش و تتبع و تجارب، این مطلب محقق و مبین می‌گردد که علم عبارت است از حصول شیء مجرد از ماده و عوارض آن برای امر مجردی که مستقل در وجود باشد، خواه این حصول برای خودش (بنفسه) باشد چنانکه در علم حضوری است و خواه این حصول برای غیر، به صورت خود باشد مثل علم حصولی (علامه طباطبایی، ۱۳۹۲).

### علم به معنای حکمت

حکمت واقعی، علم صائب و نافع و عمل صالح و خالص است و بهترین نمودار علم حق در قرآن کریم است که از آن به قرآن حکیم یاد می‌شود: "الر تلک آیات الکتاب الحکیم" عالمان عادل و آگاهان وارسته که صبغه علمی آنان از آیت محکم و سنت عادل و فریضه قائم، یعنی جهان‌بینی بر محور توحید ناب و فقه و اخلاق و حقوق دل‌مایه دارد و سنت عملی آن‌ها از «عظم الخالق فی أنفسهم فصغر ما دونه فی أعینهم» جانمای گرفته است، حکیمانی‌اند که پیوند علمی و عملی با آنان مورد ترغیب و تحضیض است؛ چه اینکه حضرت امیر مؤمنان (علیه‌السلام) فرزندان معنوی خود را به گفت‌وگو و مباحثه با آن‌ها فراخواند: «و اکثر مدارس العلماء و مناقشه الحكماء فی تثبیت ما صلح علیه امر بلادک و إقامة ما استقام به الناس قبلک». (جوادی آملی، ۱۳۸۶)

۱. «درک الشیء هو ان تكون حقیقته متمثلة عندالمدرک یشاهدها ما به یدرک فاما ان تكون تلک الحقیقه نفس حقیقه

الشیء الخارج عن المدرک...او یکون مثال حقیقته مرتسما فی ذلک المدرک غیر مباین له و هو الباقی» (۸)

۲. سوره یونس، آیه ۱

## جدول معانی علم

جدول ۱: خلاصه معنای علم از منظر صاحب نظران مختلف. منبع: محقق

منبع	معنای علم	حوزه تعریف
سیف‌اللهی و داوری، ۱۳۸۷	داده اعداد خام، کلمات و صداها است که از طریق مشاهده یا اندازه‌گیری به دست می‌آیند اطلاعات داده‌های مرتب‌شده با الگوی معنادار هستند و دانش یا علم از کاربرد تحلیل و استفاده مفید از داده‌ها و اطلاعات به دست می‌آید.	عمومی
مصباح یزدی، ۱۳۸۰	انسان اعتقادی نسبت به حقیقتی داشته باشد که احتمال خلاف آن را ندهد. احتمال صد درصد علم، احتمال بیش از پنجاه درصد ظن، احتمال پنجاه درصد تساوی و احتمال زیر پنجاه درصد وهم نامیده می‌شود.	روان‌شناختی و روان‌شناسی
مصباح یزدی، ۱۳۸۰	گزاره‌ای است که با واقعیتی که از آن حکایت می‌کند، سنجیده می‌شود. گزاره مطابق واقع علم است و گزاره‌ای که مطابق واقع نباشد غیرعلمی است و اعتباری ندارد.	معرفت شناختی
مطهری، ۱۳۷۴	مجموع تفکرات بشری درباره جهان که شامل فلسفه هم می‌شود محصول کوشش جمعی بشر است که نظم خاص منطقی یافته است.	
مصباح یزدی، ۱۳۸۰	مجموعه مسائلی که محور خاص و مشترکی میان آنان در نظر گرفته شود. معنای علم داشتن به کاربرد آن است مثل علم نحو، علم تاریخ	عُرف جامعه
مصباح یزدی، ۱۳۸۰	علم معادل Science و در مقابل Knowledge (مطلق معرفت) است. علم مجموعه قضایایی است که مهم‌ترین شرطشان اثبات محمول برای موضوع آن‌ها از راه تجربه حسی بوده و قابل‌ارائه به دیگران باشد. معرفت حاصل از راه‌های دیگر مانند قیاسات عقلی، وحی و یا شهود عرفانی علم نیست. معرفت‌هایی که شناخت هست و صد درصد انسان یقین دارد و یا برهانی محکم‌تر از تجربه دارد علم نیست!	تجربی
مصباح یزدی، ۱۳۸۰	مطلق آگاهی	
علامه جعفری،	انکشاف واقعیتی که وجود و جریان کلی آن بی‌نیاز از من و عوامل درک انسانی بوده باشد که با آن ارتباط برقرار نموده است.	فلسفه
ابوعلی سینا	ادراک تمثیل حقیقت چیزی نزد مدرک	
ملاصدرا	حصول شیء مجرد از ماده و عوارض آن برای امر مجردی که مستقل در وجود باشد.	

منبع	معنای علم	حوزه تعریف
مصباح یزدی، ۱۳۸۰	علم عبارت است از صورتی که از یک شی در نزد عقل پدید می‌آید تنها ادراکاتی که در کسب آن‌ها ذهن با تصویر معلوم سروکار دارد نه با خود آن علم گویند. در این تعریف «علم» به علوم حصولی محدود شده است.	منطق
مطهری، ۱۳۷۴	شناخت آیه‌ای که بر مبنای آن همه عالم آیت و علامت حق تعالی است.	جهان‌بینی
جعفری، ۱۳۸۲	شناخت تذکری. قرآن با دعوت از انسان به مطالعه طبیعت، تاریخ و خودش را کشف آیات و آثار الهی را می‌گشاید.	عرفان
طباطبایی، جوادی آملی، ۱۳۷۵	علم حصولی: علمی است که در آن خود معلوم نزد عالم وجود دارد علم حضوری: دستیابی به معلوم به واسطه مفهوم و تصویری که ذهن از آن دارد، نه از طریق حضور خود معلوم نزد عالم.	
طباطبائی، ۱۳۷۹	یقین به خدا و آیات او، قرآن مجید به این علوم دعوت می‌کند به این شرط که به حق و حقیقت رهنما قرار گیرند و جهان‌بینی حقیقی را که سرلوحه آن خداشناسی می‌باشد، در برداشته باشند و گرنه علمی که انسان را سرگرم خودساخته از شناختن حق و حقیقت بازدارد، در قاموس قرآن مجید با جهل مرداف است.	تفسیر قرآن
فیض کاشانی، ۱۳۸۳	العلم و قد کان یطلق ذلک علی الله تعالی و بآياته و افعاله فی عبادته و خلقه.	
جوادی آملی، ۱۳۸۵	علم کشف و قرائت طبیعت و جهان است. علم به معنای «فن جامع مسائل هماهنگ»	
جوادی آملی ۱۳۸۶	حکمت: علم صائب و نافع و عمل صالح و خالص است	

### روش‌شناسی تحقیق

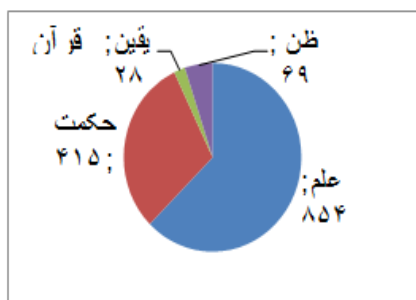
با توجه به هدف اصلی تحقیق که بررسی دانش و شناخت آن در منابع دینی است برای انجام این تحقیق استفاده از روش تحقیق کیفی در نظر گرفته شد. در بین روش‌های کیفی روشی که برای استنباط و نظریه‌پردازی از متون مورد توجه محققین قرار گرفته است، روش نظریه‌مبنایی است. این روش به‌طور استقرایی؛ یعنی از جزء به کل، از مطالعه پدیده‌ای در اسناد مفاهیمی را در قالب یک نظریه نمایان می‌کند؛ به عبارت دیگر محقق طی

۱ Grounded theory

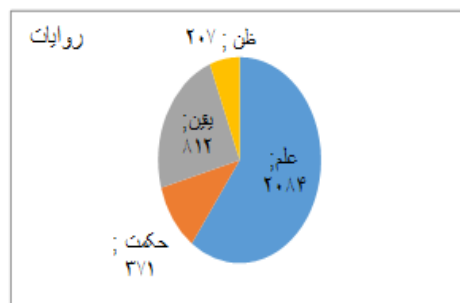
۲ Induction

انجام این روش نظریه‌ای را کشف و از طریق گردآوری منظم اطلاعات و تجزیه و تحلیل داده‌هایی که از آن پدیده نشأت گرفته است، اثبات می‌کند.

با توجه به گستردگی منابع اسلامی، در این تحقیق در حوزه قرآن از تفسیر تسنیم آیت‌الله عبدالله جوادی آملی و در حوزه روایات از کتاب میزان الحکمه، استفاده شد. روش محوری تفسیر تسنیم بر پایه اسلوب تفسیری علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، «روش تفسیر قرآن به قرآن» است. مفسر در کنار سه منبع اصلی خود یعنی قرآن، سنت و عقل در موارد پرشماری از ادبیات عرب و کلام فلاسفه و عرفا برای بیان مراد خود بهره گرفته است. کتاب میزان الحکمه نیز در جمع‌آوری آیات و روایات با ترتیبی خاص و نظمی نوین به رشته تحریر درآمده است. در این کتاب سعی شده است از منابع معتبر و مورد وثوق هر دو فرقه شیعه و سنی، بهره گرفته شود و در کتاب‌هایی مثل بحارالانوار، علاوه بر مراجعه به بحار، به منابع و مصادر بحار هم مراجعه کرده است و این مجموعه قرآنی و روایی دارای ۴۲۶۰ موضوع و ۲۲۷۳۰ روایت از منابع شیعه و سنی است. با توجه به کیفی بودن روش پژوهش و مراحل انجام روش نظریه‌مبنایی، ابتدا کلیه آیات و روایات مرتبط با موضوع تحقیق شناسایی و سپس در کتاب تسنیم، تفسیر آیات و روایات منتخب به صورت نمونه‌گیری هدفمند و تمام شمار و به صورت اشباع نظری موردبررسی قرار گرفت. نمودار ۱ و ۲ جامعه آماری تحقیق را مشخص می‌کند.



نمودار ۲ (منبع محقق)



نمودار ۱ (منبع محقق)

همچنین جمع‌آوری داده‌ها به یک‌باره و در یک یا چند نوبت محدود انجام نشد، بلکه با بررسی مکرر داده‌ها و با حرکتی رفت و برگشتی در منابع داده‌های کیفی جمع‌آوری شده به طور مداوم اصلاح شد و یا تغییر داده شد. تمام آیات و روایات مرتبط با بحث دانش در منابع تحقیق بررسی شد.

### یافته‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها

پس از بررسی دقیق متون کدگذاری اولیه مفاهیم به عنوان کدهای مستخرج از متن مشخص شد. سپس با مقایسه مفاهیم با یکدیگر محورهای مشترک عنوان یک مقوله داده شد. نام مقوله‌ها توسط محقق انتخاب و بیانگر بیشترین ارتباط میان برخی کدهای اولیه است. پس از آن مقوله‌ها نیز گروه بندی شده و مضامین را شکل دادند. در جدول ۲ مفاهیم و مقوله‌های حاصل از کدگذاری اولیه و باز نشان داده می‌شود.

جدول شماره ۲: مفاهیم، مقولات و مضامین در خصوص دانش و انواع آن (منبع: محقق)

مقوله‌ها	مفاهیم
دریافت دانش تدریجی است	کسب دانش تدریجی است، در تعلیم حقیقتا دانش در جان آدمی می‌نشیند و در تدریس گاهی دانش حاصل می‌شود و گاهی هم نه
دانش ماهیت مجرد دارد	علم مجرد است و به زمان و مکان وابسته نیست، دانش بدیهی است و دانش نظری است.
دانش نعمت معنوی خداست ریشه دانش خداوند است	مبدأ و ریشه همه دانش‌ها از خداست، دانش‌ها از طرف پروردگار گاهی با واسطه و زمانی مستقیم است، دانش بسان رزق و روزی معنوی انسان است، همه دانش‌ها از سرچشمه فیض الهی جاری و ساری می‌شود، اهمیت علم‌آموزی از منبع اصلی، اصل علم و دانش نزد امامان است، همه دانش‌ها حضوری است و از مبدأ خدا است، خداوند اراده مطلق در اعطا و گرفتن دانش است، استناد علوم حسی، عقلی و فطری به مبدأ الهی، دانش اولین نعمت در هدایت انسان و برترین نعمت بعد از خلقت
بالاترین عبادت	برتری جستجو و کسب علم به عبادت، برتری دانش بر عبادت، برتری عبادت عالم به عبادت جاهل، بررسی علمی برتر از عبادت برتری عالم بر شهید و عابد، سرعت ارتقاء عالم نسبت به عابد، دوستی با خدا از طریق کسب علم، نقش علم در توجه فرشتگان به شخص دارای دانش، نقش علم در آموزش دانشور، نقش معرفت در ایمان، برابری کسب دانش با چهل سال

مفاهیم	مقوله‌ها
عبادت، یاد دادن و عمل کردن به دانش برتر از عبادت	
دانش بی انتهاست و نمی‌توان به آن احاطه کرد، پایان‌ناپذیری دانش و خرد	دانش بی انتهاست
برترین شرافت و مایه شرافت بخشی به انسان، موجب برتری و رفعت و بالاترین شرافت خانوادگی، دانش برترین دارایی انسان است، دانش زینت و مایه بی نیازی، دانش تعدیل کننده قوا، گمشده با ارزش، ساتر عیوب	برترین دارایی و شرافت
دانستن نقیض ندانستن است و عقل نقیض جهل، کشنده جهل و پیروزی بر آن، دانش و معرفت ظرفیت وجودی انسان را افزایش می‌دهد	دانش ظرفیت ساز است
برتری عمل با دانش به عمل بدون دانش، با ارزش بودن علم عملی، دانش بدون عمل ارزش چندانی ندارد.	دانش و عمل قرین یکدیگر
بهترین مونس و برترین همدم، گنج پردها و سودمند، بهترین ارثیه، برتری ثمره دانش از ارث پدری، برتری دانش بر ثروت، دانش ماندگار ترین کسب انسان از دنیا و میراث ارزشمند	دانش میراث ماندگار
دانش ملاک برتری فردی و اجتماعی و شاخص ارزش انسان، دانش سرآمد همه فضیلت‌ها، دانش نقطه پایان همه فضیلت‌ها، معرفت مایه منزلت و موجب برتری و رفعت، بالاترین شرافت و شرافت خانوادگی، دانش کمال وجودی انسان است، بی‌دانشی نشان بی ارزشی و پستی و خواری و ریشه همه بدی‌ها، علت آفرینش جهان، دانش ریشه هر رفعت و ریشه همه خوبی‌ها، علم شالوده هر فرد و بهای هر او، ملاک و شاخص ارزش شیعیان، انسان با دانشی که دارد یکی می‌شود.	دانش ملاک برتری است
دانش کمک کننده و راهنما، راهبر به حق و راهبر بردبار، دانش پیشرو و فرمانده عمل است، نقش علم اکسایبی در هدایت یا ضلالت پیشوای عمل و کمک کننده به تدبیر، الهام بخش نیک بختان و محرومیت شوربختان، دانش قاعده کلی که حاوی قواعد فرعی فراوانی است، و دیگری دانش بسطی که شامل حقایق جزئی فراوانی است، دانش نافع دانشی است که بقیه دانش‌ها را جهت‌دار کند.	نقش راهبردی دانش
دانش سرآمد و نقطه پایان همه فضیلت‌ها، دانش کم از بین برنده نادانی بسیار	
شناخت پروردگار، افعال و خواسته‌های او و شناخت عوامل انحرافی، علم با عمل و هدایت و رستگاری، ضروری‌ترین دانش: دانش عمل به واجب، نشان دهنده ی صلاح و فساد دل، افزودن بر عمل در دنیا، برترین دانش‌ها: نرمش، سودمندی، اصلاح‌گری، خدا شناسی، تمییز خوبیها و بدیها، برتری عمل با دانش به عمل بدون دانش، نشان دهنده ی صلاح و فساد دل، دانش کم از بین برنده نادانی بسیار، نقش علم در رسیدن تهذیب و وارستگی، وجود عدل نشانه وجود دانش است و	دانش نافع

مفاهیم	مقوله‌ها
عدل مقدمه کسب دانش	
برتری علم بر ثروت، مراحل سه‌گانه دانش: فهم، حفظ، انتشار	ماندگاری بالا
دانش: مایه حیات و زندگی بخش، دانش: روشنایی بخش، دانش و حکمت مایه آبادانی دل و حیات واقعی جان آدمی، دانش: زندگی بخش اسلام و ستون دین،	دانش تامین کننده حیات انسان
دانش: روشنایی بخش عقل و از بین برنده جهل، دانش نردبان عقل است و انسان را به تعقل نزدیک می‌کند، وبال بودن توجه به دانش بیش از خرد، گمراهی دانش بدون خرد، پرهیز از جهل علم نما، کشنده جهل و پیروزی بر آن	دانش توانمند ساز خرد و عقل
نگهبان دارنده آن، یادگیرنده و زنده کننده دانش نامیراست، کمک کننده در دنیا و آخرت، اعطای دانش چیزی را از دارنده آن کم نمیکند	دانش نگهدارنده دانشور است
خود شناسی و خدا شناسی، اخلاص و فرمانبرداری از خدا، عمل برای آخرت و افزودن بر عمل در دنیا	الزامات دانش
اهمیت اولویت بندی در آموختن دانش‌های مختلف، لزوم تعادل در آموختن برخی دانشها، اهمیت فراگرفتن نیکوترین دانش و دانش سودمند یا نافع، شرط نافع بودن علم ذکر و یاد خدا در کسب آن و عمل به آن، پرهیز از دانش گمراه کننده مانند دانش بدون خرد، انواع علوم: دانش قابل اندیشه ورزی(دین اسلام) و دانش غیر قابل اندیشه ورزی(قدرت الهی)؛ دانش زبانی و دانش عملی، ملاک ارزشمندی علم: تاثیر آن در سلامت دل و جان آدمی، تأکید بر تفقه در دین	توجه به کسب دانش نافع رتبه بندی یا اولویت بندی در کسب
زینت دانش: احسان و نیکوکاری و بردباری با داشتن دانش، زینت دانش: افتادگی و وقار و بردباری، جهل علم متکبر را از بین می‌برد. زینت دانش بردباری، زینت گفتار کردار	آنچه موجب زینت دانش است: حلم، عمل، گفتار نیک، افتادگی، احسان،
علم کار ارادی نفس نیست، گرچه تحصیل مقدمات فهم در اختیار انسان است، لیکن وقتی مقدمات روشن شد، نفس ناچار به فهمیدن نتیجه است.	به محض حصول مقدمات، علم و دانش بی اختیار حاصل می‌شود
یقین از شئون معرفت و علم است: علم الیقین، عین الیقین، حق الیقین، حرکت از شک به دانش و بعد به یقین	شک، دانش، یقین(علم) الیقین، عین الیقین، حق الیقین)
علم حصولی و علم حضوری، همه دانش‌ها اصالتاً دانش حضوری یا علم حصولی هستند.	علم حضوری، علم حصولی
توجه قرآن به علوم فطری و اکتسابی	دانش فطری



مفاهیم	مقوله‌ها
علم: آیه‌ای محکم، یا سنتی جاری، یا فریضه‌ای میانه، انواع علوم: سرشتی و شنیدنی (ذاتی و اکتسابی)، انواع علوم: دانش قابل اندیشه ورزی (دین اسلام) و دانش غیر قابل اندیشه ورزی (قدرت الهی)	اعتقادات، اخلاق، احکام
سیر علم از گمان به یقین	گمان، دانش، یقین
فقط در علم لدنی جا برای اشتباه نیست، حس و عقل و فطرت سه مرتبه از علم را فراهم می‌آورند. علم: کتاب ناطق و سنت جاری علم: آیه‌ای محکم، یا سنتی جاری، یا فریضه‌ای میانه،	علم لدنی برترین دانش

چنانچه در جدول شماره ۲ مشاهده می‌شود تعداد ۱۵۰ مفهوم از کدگذاری اولیه متون تحقیق به دست آمد. این مفاهیم بیانگر ویژگی‌ها و مراتب و ارزشمندی دانش هستند. با تجمیع ۱۵۰ مفهوم از طریق تجمیع مفاهیم مرتبط و نزدیک به هم تعداد ۲۸ مقوله به دست آمد. از تجمیع مقوله‌های مرتبط سه مضمون کلی درخصوص دانش حاصل شد. این مضامین عبارتند از: ویژگیهای دانش، ارزشمندی دانش، مراتب دانش

### شرح مقوله‌ها و مضامین

#### - مراتب دانش

دانش از منظر اسلام مراتبی دارد. از مرتبه حسی تا مرتبه لدنی. جدول ۳ مشخصات و ویژگی‌های مراتب دانش را نشان می‌دهد.

ابزار کسب	ویژگی دانش	مراتب دانش
ابزار مادی، حواس پنجگانه	فهم مراتب پایین عالم خلقت، رفع نیازهای مادی بشر، احتمال اشتباه و خطا در آن وجود دارد. پایدار و کامل نیست	مرتبه حسی
علاوه بر ابزار مادی عقل و خرد،	بسیار گسترده است. علوم انتزاعی را شامل می‌شود. منطقی و روش عقلی دارد. علاوه بر عالم ماده عالم مثال یا برزخ را نیز دربر می‌گیرد. از خطا و اشتباه کمتری برخوردار است.	مرتبه عقلی یا نظری
از طریق اعطای الهی حاصل می‌شود.	همه عوالم بویژه عالم عقل و آخرت را دربر می‌گیرد. بصورت مستقیم از خداوند به دیگران اعطا می‌شود. ثابت و تغییرناپذیر است.	مرتبه حضوری یا لدنی

پایین ترین مرتبه دانش، دانش حسی است که با ابزار مادی مانند حواس پنجگانه انسان آمده و به فهم مراتب پایینی از عالم خلقت را ممکن می‌سازد. مرتبه دیگر دانش، دانش عقلی یا نظری است که گسترده تر است و مرتبه بالاتر از آن که دانش حضوری یا لدنی است و صرفاً از طریق اعطا از خداوند به انسان بروز پیدا می‌کند. همه مراتب علوم در طول هم قرار دارند و دارنده دانش حضوری یا لدنی همه مراتب دانش را داراست. آن دانشی که در مدیریت دانش رایج از تجربه حین کار حاصل شده تا دانش های نظری در نگاه اسلامی، ریشه در منبع الهی داشته و با واسطه یا بی‌واسطه از جانب خدا به انسان اعطا شده است؛ اما ابزارها و یا شرایط این اعطا نیز مشخص شده و انسان طالب دانش باید آنها را شناخته و آنها را فراهم کند.

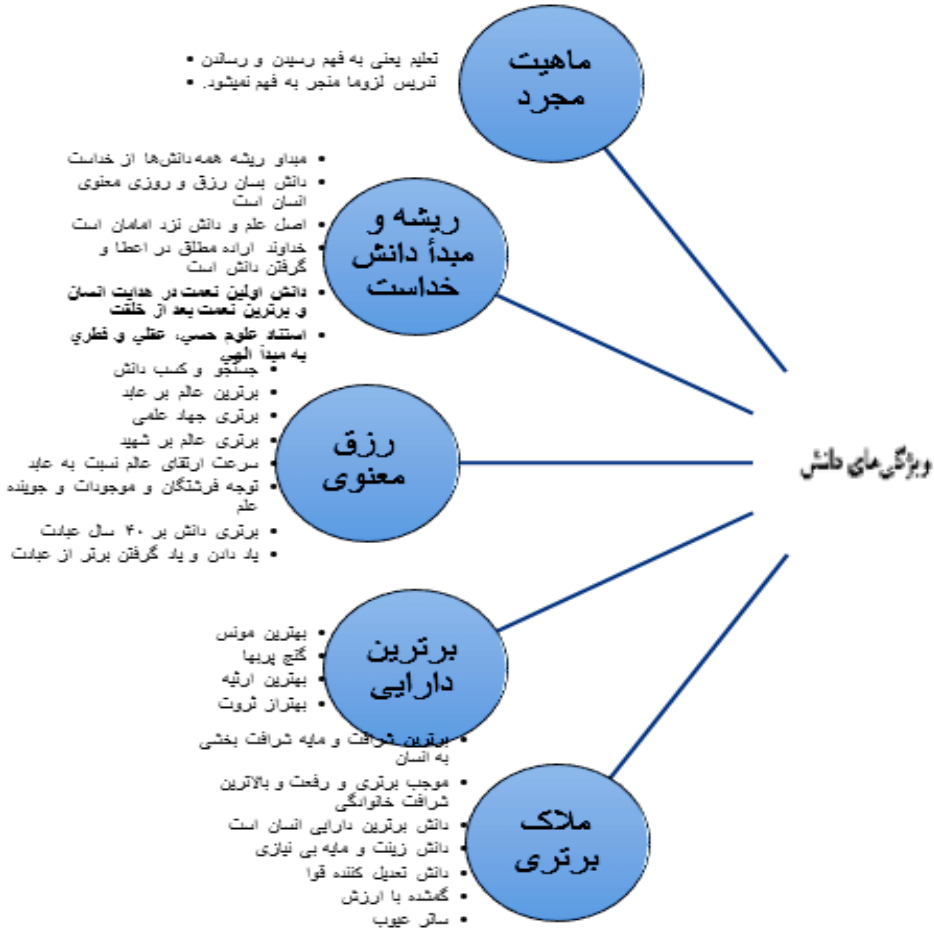
### - شک، دانش، یقین

گمان، علم و یقین سه مرتبه از دانش را تشکیل می‌دهند. در مرحله گمان انسان با فراهم کردن براهین (تجربی و غیر تجربی) به فهم متعلق علم نزدیک می‌شود. بعد از حصول فهم درباره آن به علم می‌رسد و سرانجام در آن مورد یقین حاصل می‌کند. «یقین» به معنای علمی است که شک و تردید در آن راه نداشته باشد. یقین خود سه قسم یا مرتبه دارد. ۱. علم الیقین که در آن، یقین مقدم بر رؤیت است که با معرفت انسانی مرتبط است و قبل از واژه علم الیقین در قرآن، از واژه علم استفاده شده است. ۲. عین الیقین که مراد از آن خود یقین است و معنایش دیدن با یقین محض است. ۳. حق الیقین که مراد از آن علمی است که در آن نقطه ابهام و تردیدی نباشد و علمی است که با هیچ دلیل و بیانی نمی‌توان آن را مبدل به شک و تردید کرد (التهانوی، ۲۰۱۲: ۱۸۱۴).

بنابراین شک، دانش و یقین مراتب دانش را از منظری دیگر مشخص می‌کنند. مرتبه شک فهم رقیقی از مجهولات را فراهم می‌سازد و بعد از فهم دانش حاصل می‌شود. ولی بعد از جزمیت در فهم و استمرار در توجه و تفکر پیرامون معلوم، به مرور دانش به فهم قطعی و یا همان یقین مبدل می‌شود.

## – ویژگی‌های دانش

مضمون دیگر حاصل از داده‌های تحقیق، عبارت است از مفاهیمی که ویژگی‌های دانش را مشخص می‌کنند. شکل ۲ این ویژگی‌ها را به طور خلاصه نشان می‌دهد.



شکل ۲، ویژگی‌های دانش (منبع: محقق)

**ماهیت مجرد دانش:** دانش مجرد است؛ یعنی قوانین و اصول مادی بر آن حاکم نیست و زمان و مکان در ماهیت دانش تاثیری ندارد و به محض فراهم شدن مقدمات فهم دانش، برای انسان (البته نوع بشر که از سلامت جسمی و روحی برخوردار است) حاصل می‌شود.

همچنین نباید توقع داشت صرفاً ابزار و عوامل مادی در تولید و گسترش دانش نقش داشته باشد، بلکه این عوامل صرفاً زمینه گسترش دانش را فراهم می‌آورد ولی اصل دانش بسان مجردات از عوامل غیر مادی نشأت می‌گیرد. از این روی دانش از حیث نحوه دریافت نیز به دو قسم حصولی و حضوری تقسیم می‌شود.

دریافت دانش تدریجی است: با توجه به قوای ادراکی بشر و نیز فرآیندی که برای درک و فهم امور جدید و تطبیق و تمییز آن با دانسته‌های قبلی لازم است، دریافت هر دانشی طی فرآیند و به تدریج حاصل می‌شود. تثبیت دانش و به تجربه رساندن و کاربست آن نیز به مرور به انجام می‌شد. همچنین تفکیک بین تعلیم و تدریس در کسب دانش ضروری است. نباید گمان کرد که هر تدریسی همچون تعلیم، منجر به یادگیری دانش می‌شود.

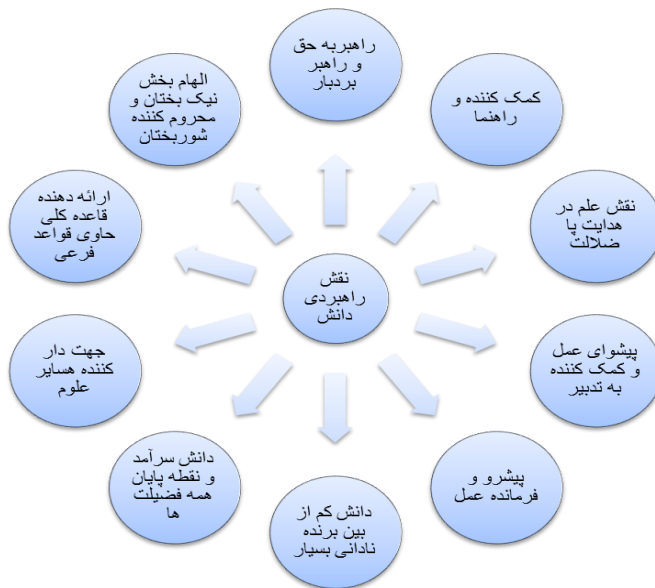
- **دانش، زندگی بخش:** دانش موجب حیات و زندگی حقیقی بشر می‌شود. حیات حقیقی نشانه و خصوصیتی دارد؛ انسانی که بتواند ظرفیت وجودی خود و عالم خلقت را درک کرده از امکانات در اختیار خود به بهترین نحو و در بهترین فرصت و زمان استفاده کند تا آن ظرفیت‌های بالقوه خود را بالفعل نماید و خود را به هدف از خلقت نزدیک سازد دارای حیات و زندگی واقعی است. چنانچه یک گیاه وقتی زنده است که رشد دارد و ثمر می‌دهد؛ انسان زنده نیز وقتی حیات دارد که رشد نماید و ثمر داشته باشد. در این میان این دانش است که عامل اصلی و بلکه برترین عامل در ایجاد حیات و زندگی واقعی است.

- **پایان‌ناپذیری دانش:** دانش به دلیل ماهیت مجردی که دارد، پایان پذیر نیست. دانش فهم همه چیز و همه کس است در همه عوالم و این دلیل بر بی‌انتهای بودن دانش است. البته کشف و کسب دانش توسط انسان تدریجی و مرحله به مرحله است.

- **ظرفیت سازی دانش:** جان آدمی با مجموعه‌ای از عوامل معنوی رشد و ارتقاء پیدا می‌کند و مایه اصلی این ارتقاء دانش است؛ اما آیا ظرفیت انسان برای دریافت دانش محدود و معین است؟ داده‌های تحقیق مشخص می‌کند ظرفیت دریافت دانش محدود و قطعی نیست. بلکه کسب هر دانش و عمل به آن ظرفیت جدید را در وجود انسان ایجاد می‌کند و این روند محدودیتی ندارد. البته تاکید شده است عمل

به دانش ارزشمند است و دانش بدون عمل ارزش چندانی ندارد چرا افزایش دانش و به تبع آن افزایش ظرفیت انسان ارتباط مستقیم با عمل به دانش موجود دارد.

- **نقش راهبردی دانش:** ارزشمندی دیگر دانش به راهبردی بودن آن اشاره دارد. در مدیریت راهبردی امور فراگیر، موثر در آینده افراد و لازم برای دستیابی سریع به اهداف و نیز مزیت رقابتی پایدار، بعنوان امور راهبردی شناخته می‌شوند. از منظر اسلام ماندگاری دانش، برترین مزیت رقابتی آن است. نافع‌ترین دانش‌ها دانشی است که مایه آبادانی و حیات مادی و معنوی انسان بوده ظرفیت وجودی انسان را افزایش دهد و راهنما و راهبر باشد. شکل ۳ مهمترین دلایل دارا بودن نقش راهبردی دانش را نشان می‌دهد.



شکل ۳، نقش راهبردی دانش (منبع: محقق).

- **دانش زینت انسان:** برای تزیین و آراستن، تناسب، تطبیق و تجانس ضروری است. برای زینت انسان که وجودی مادی و معنوی و یا روحی و جسمی دارد، زینتی لازم

- است که با این ترکیب تناسب داشته باشد. دانش حیات بخش جان آدمی ارزش و مرتبه انسان را بالا می‌برد. ریشه خوبی‌ها دانش است و مایه حیات و آبادانی است. این نعمت معنوی و الهی ماندگارترین کسب و نگهبان دارنده آن است.
- **دانش توانمند ساز عقل:** عقل، فصل مقوم بشر و برترین ویژگی انسان است که عهده دار راهبری و راهنمایی درونی انسان را در حیاتش، بعهده دارد. این ابزار قدرتمند با استفاده از دانش می‌تواند بهتر و سریعتر انسان را به مقصد و هدف درست و صحیح راهنمایی کند. با وجود دانش عقل برای مقایسه کارها و راه‌ها معطل نشده و با بررسی و توزین آن‌ها بهترین‌ها را پیشنهاد می‌کند.
- **دانش نعمت الهی است:** دانش نظیر همه نعمت‌های الهی، نعمت معنوی خداست و ریشه، مبداء و منبع اصلی همه مراتب آن خداست. بنابراین باید در نظر گرفت برای آموختن هر علمی بهتر است به سرچشمه منبع اصلی آن رجوع کرد.

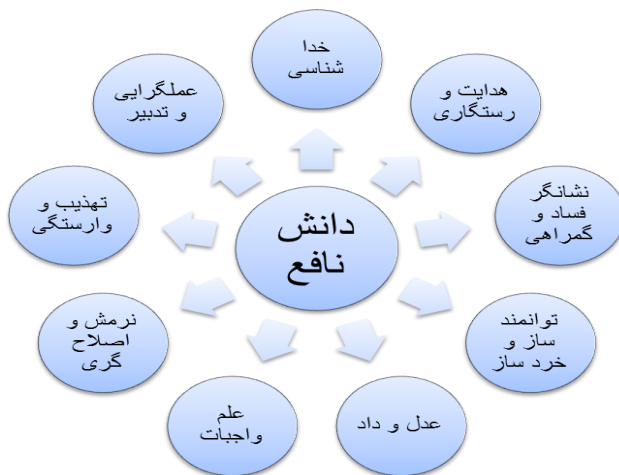
### ارزشمندی دانش

مضمون سوم عبارت است از مفاهیمی که ارزشمندی دانش را مشخص می‌سازد. این مفاهیم عبارت است از: ارزش دانش در برابر عبادت، برتری دانش به ثروت و دارایی، ارزش دانش نافع، شکوفایی عقل و خرد در همراهی با دانش و ارتقاء ارزش وجودی انسان با دانش.

- **بالاترین عبادت:** انجام عبادت و برنامه‌های عبادی با هدف تربیت بشر وقتی ارزش پیدا می‌کند که با فهم و معرفت همراه باشد. بنابراین جستجوی دانش و کسب آن برترین عبادت است و عبادت عالم به عبادت جاهل برتری دارد؛ چراکه سرعت ارتقاء عالم نسبت به عابد و جلب محبت خدا از طریق کسب علم و برتری او بر فرشتگان مقرب خدا بواسطه دانش قطعی است.
- **برترین دارایی و شرافت:** داشته‌های انسان با شاخص منفعت و دوام ارزشگذاری می‌شود. دارایی‌های مادی در داشتن منفعت محدود بوده و از بین خواهند رفت. اما

دانش به جهت نفع بسیار بالا و ماندگاری به عنوان برترین شرافت و نیز دارایی معرفی شده است.

- **دانش نافع:** مصادیقی از دانش نافع در آیات و روایات مشخص شده است. برخی از آنها عبارت است از شناخت پروردگار، افعال و خواسته‌های او و شناخت عوامل انحرافی، دانش عمل به واجب، نشان دهنده صلاح و فساد دل، دانش صلاح انسان، نرمش، سودمندی، اصلاح گری، تمییز خوبی‌ها و بدی‌ها، نشان دهنده ی صلاح و فساد دل، دانش تهذیب و وارستگی و دانشی که منجر به عدل و داد می‌شود. همه این مصادیق برتر برای دانش نافع از نگاه کلان و کل نگر برخوردارند و جامعیت بیشتری نسبت به سایر علوم دارند. شکل ۴ برخی از ویژگی‌های دانش نافع را نشان می‌دهد.



شکل ۴، دانش نافع (منبع: محقق).

- **شکوفاکنده عقل و خرد:** در وجود انسان عقل به عنوان ابزار و میزان شناخت حق از باطل از طرف پروردار متعال قرار داده شده است. عقل در صورت اشراف به موضوعات بهتر و دقیقتر به ارزیابی پرداخته و نهایتاً به درستی درباره صحت و سقم قضایا فتوا می‌دهد. دانش می‌تواند زمینه این ارزیابی دقیق تر را فراهم کند و موجب روشنایی عقل بوده و از جهل را از بین ببرد. دانش نردبان عقل است و انسان را به

تعقل نزدیک می‌کند. همچنین عقل می‌تواند پیشوای دانش و مانع از گمراهی آن شود چرا که عقل در هر مرحله از تجزیه و تحلیل دانش کلیاتی را استخراج کرده ملاک درست و غلطی موضوعات و قضایای دیگر قرار می‌دهد. بر همین اساس دانش بدون خرد ممکن است موجب گمراهی شود.

- **ملاک برتری:** دانش سرآمد همه فضیلت‌ها و بلکه دانش برتر، نقطه پایان همه فضیلت‌ها است. بنابراین دانش ملاک برتری فردی و اجتماعی و شاخص ارزش انسان هاست؛ چرا که دانش علت آفرینش جهان معرفی شده و ریشه هر رفعت و همه خوبی‌ها معرفی شده است. بی‌دانشی، نشان بی‌ارزشی و پستی و خواری و ریشه همه بدی‌ها است؛ چرا که دانش شالوده هر کسی را شکل می‌دهد و تبدیل به کمالات وجودی او و در ادامه مثل جان او می‌شود.

### نتیجه‌گیری و پیشنهادها

بر اساس یافته‌های تحقیق، دانش به معنای مطلق فهم و ادراک باارزش‌ترین نعمت الهی به انسان است که با سه دسته از مضامین اصلی قابل شناسایی است. الف) ویژگی‌ها (ب) مراتب و ج) ارزشمندی. این مضامین و مقوله‌ها را می‌توان از منظر مدل پارادایمی نظریه داده بنیاد بررسی و جایگاه هر یک را در این مدل مشخص کرد. در این مدل ۶ جایگاه اصلی تعریف شده است.

**مضمون محوری:** در مدل پارادایمی، مفهومی مضمون محوری است که بتوان آن را در مرکز قرار داد و همه طبقه‌های اصلی دیگر بتوانند به آن ربط داده شوند. این مفهوم در همه داده‌ها و تحلیل داده‌ها دیده می‌شود و نشانه‌هایی از آن در همه جا وجود دارد. همچنین توضیح و شرحی که ربط دهی طبقه‌ها به یکدیگر بر اساس مضمون محوری ارائه شده و تکامل پیدا می‌کند منطقی و سازگار بوده و نباید این ارتباط تحمیل شود. تمام نشانه‌هایی که درباره مضمون محوری بیان شد در مفهوم دانش وجود دارد. دانش مفهومی محوری در این پژوهش است. همچنین سایر طبقات به نحوی منطقی با این مفهوم در ارتباط بوده و معنای آن را تکمیل می‌کنند.



**شرایط علی:** در نظریه داده بنیاد، فعالیت ها و وقایعی که به گسترش وقوع پدیده یا ایده اصلی آن منجر می شود، شرایط علی نامیده می شود. اصولاً برای شکل گیری یک نظریه معرفت شناسی، هستی شناسی، انسان شناسی و روش شناسی مهم ترین عوامل شکل دهی نظریه در نظر گرفته می شوند. در این مدل معرفت شناسی که برگرفته از هستی شناسی و موثر در انسان شناسی و روش شناسی است و بر متون تحقیق یعنی تفسیر تسنیم و روایات میزان الحکمه سایه گسترده است به عنوان عوامل علی به حساب می آیند.

**راهبردها:** کنش ها و تعاملاتی که از پدیده محوری منبعث می شود راهبردها را تشکیل می دهند. این راهبردها بیانگر رفتارها و فعالیت هایی هدفداری هستند که در تبعات طبقه محوری و تحت تاثیر عوامل مداخله گر هستند. در این تحقیق فرآیندهای موثر در کسب و بکارگیری دانش و نیز حفظ انتشار آن، در جایگاه راهبردهای مدل پارادایمی قرار گرفتند.

**بستر حاکم:** عوامل اصلی، ویژه و موثر بر راهبردها در فرآیندهای مرتبط با دانش بستر حاکم نامیده می شوند. این طبقه مجموعه ای از مفاهیم، طبقه ها و یا متغیرهای زمینه ای هستند که در برابر شرایط علی که متغیرهای فعال هستند قرار دارند. در این تحقیق ویژگی ها و مراتب دانش بعنوان بستر حاکم شناخته شدند.

**شرایط مداخله گر:** این عوامل مسدود کننده یا تسریع کننده نیز هستند. اینها بستر یا محیطی عمومی هستند که راهبردها از آنها متاثر می شوند. این شرایط را مجموعه ای از متغیرهای میانجی و واسط تشکیل می دهند. در این تحقیق مقدمات لازم برای مواجهه با دانش، بعنوان شرایط مداخله گر در مدل پارادایمی جای گرفتند.

## نتایج و پیامدها

این بخش بیانگر اقدامات و تعاملات ناشی از پدیده محوری است. پیامدهایی که در اثر اتخاذ راهبردها به وجود می آیند. در این تحقیق پیامدهای مهم و فراوان کسب و بکارگیری دانش در جایگاه پیامدهای مدل قرار گرفت. جدول ۴ مقوله های حاصل از تحقیق را با مشخص کردن نقش آنها در مدل پارادایمی نشان می دهد.

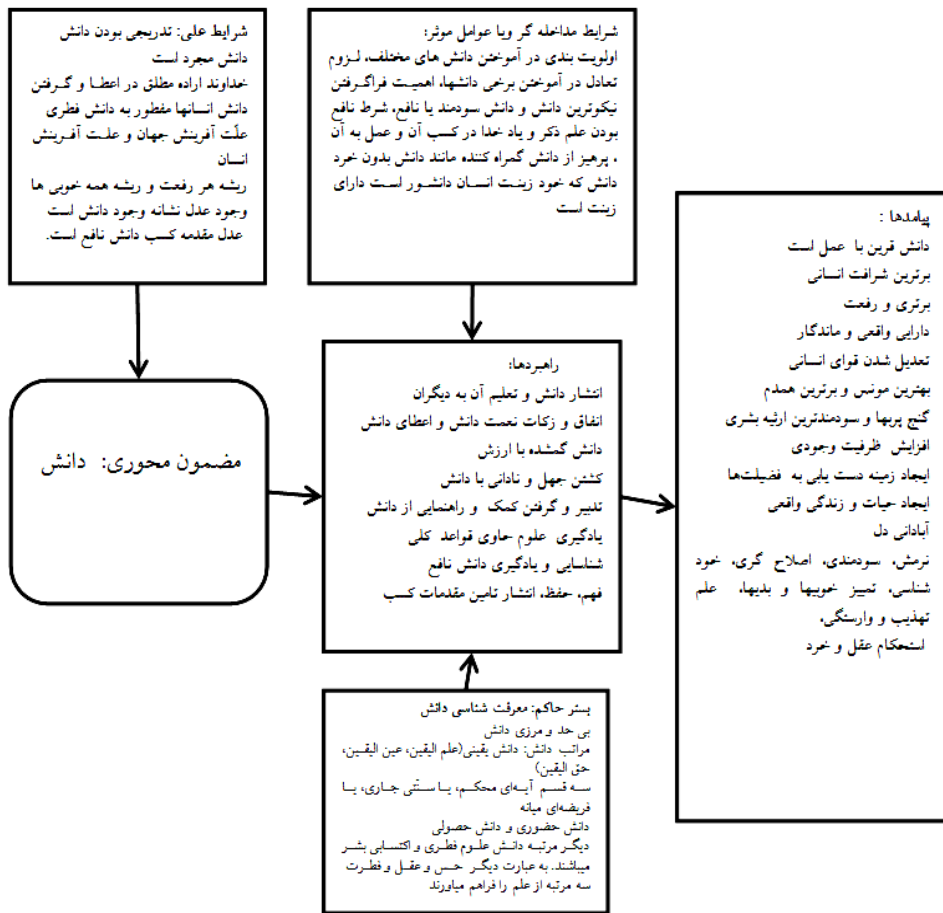
جدول ۴، مفاهیم و نقش آنها در مدل پارادایمی (منبع: محقق).

نوع مضمون در مدل پارادایمی	مضامین و مفاهیم
شرایط علی	دانش به صورت تدریجی در جان آدمی می‌نشیند.
عوامل موثر	در کسب دانش تدریس و تعلیم با یکدیگر تفاوت دارد و گاهی دانش در تدریس حاصل می‌شود و گاهی هم نه ولی در تعلیم حتما دانش به دست می‌آید.
شرایط علی	دانش مجرد است و به زمان و مکان وابسته نیست
بستر حاکم	مبداء و ریشه همه دانش‌ها از خداست و دانش‌ها از طرف پروردگار گاهی باواسطه و زمانی مستقیم به انسانها اعطا می‌شود.
عوامل موثر	و بنابراین دانش بسان رزق و روزی معنوی انسان است و لازم است آن را از منبع اصلی دریافت کرد.
بستر حاکم	اصل علم و دانش نزد امامان است و ریشه همه علوم حضوری نزد خدا است.
شرایط علی	خداوند اراده مطلق در اعطا و گرفتن دانش است و انسانها مفتور به دانش فطری هستند.
عوامل موثر	کسب دانش و بررسی علمی بر همه عبادات برتری دارد و خود برترین عبادت است.
عوامل موثر	و سرعت ارتقاء عالم نسبت به عابد بسیار بیشتر است.
عوامل موثر	فرشتگان و بلکه همه موجودات به شخص دارای دانش و شخص در جستجوی دانش احترام کرده، به او یاری می‌رسانند.
راهنماها	انتشار دانش و تعلیم آن به دیگران نیز بسیار با ارزش است.
راهنماها	از تعلیم دانش به اتفاق و زکات نعمت دانش یاد شده و اعطای دانش چیزی را از دارنده آن کم نمی‌کند بلکه دارایی دانشی او را اضافه می‌نماید.
	دانش با عمل همراه و قرین است و ارزش بالای دانش به عمل کردن به آن اختصاص دارد.
عوامل موثر	و حتی عمل نکردن به دانش ارزش نسبی آن را از بین برده و آن را تبدیل به ضد ارزش می‌کند.
پیامدها	دانش با عمل است که برترین شرافت و مایه شرافت بخشی به انسان است و موجب برتری و رفعت و بالاترین شرافت خانوادگی به حساب می‌آید
پیامدها	همچنین از مهمترین داراییهای واقعی و ماندگار انسان دانش است که مایه زینت و بی نیازی نیز بوده و تعدیل کننده قوای انسانی نیز هست.
پیامدها	و بهترین مونس و برترین همدم و گنج پر بها و سودمندترین ارثیه بشری است.
بستر حاکم	دانش بی انتهاست و کسب آن تمامی ندارد.
راهنماها	دانش گمشده با ارزش کشنده جهل و نادانی است.

نوع مضمون در مدل پارادایمی	مضامین و مفاهیم
پیامدها	دانش و معرفت ظرفیت وجودی انسان را افزایش می‌دهد و ظرفیت ساز است.
پیامدها	و به همین دلیل ملاک برتری فردی و اجتماعی و شاخص ارزش انسان به حساب می‌آید.
پیامدها	دانش سرآمد همه فضیلت‌ها و بلکه نقطه پایان فضیلت‌ها است.
شرایط علی	علت آفرینش جهان و علت آفرینش انسان رسیدن او به علم و دانش است و دانش ریشه هر رفعت و ریشه همه خوبی‌ها است. بلکه وجود انسان به نحوی آفریده شده است که به تدریج با دانشی که دارد یکی می‌شود.
راهبردها	دانش مهمترین ابزار تدبیر و نیز کمک کننده و راهنما است.
راهبردها	برخی از علوم حاوی قواعد کلی هستند و برخی بیانگر جزئیات
راهبردها	دانش‌ها از حیث فایده و انطباق با هدف خلقت به دانش نافع و دانش مضر تقسیم می‌شوند.
راهبردها	دانش نافع دانشی است که بقیه دانش‌ها را جهت دار کند و از بین برنده نادانی بسیار باشد و نقش راهبردی داشته باشد. برخی از مصادیق دانش نافع عبارت است از شناخت پروردگار، افعال و خواسته‌های او و شناخت عوامل انحرافی و نیز شناخت موجبات علم هدایت و رستگاری و نیز نشان دهنده ی صلاح و فساد دل
پیامدها	نرمش، سودمندی، اصلاح گری، خود شناسی، تمییز خوبی‌ها و بدی‌ها، علم تهذیب و وارستگی، یاری دهنده عقل و خرد از دیگر مصادیق دانش نافع اند.
شرایط علی	وجود عدل نشانه وجود دانش است و عدل مقدمه کسب دانش نافع است.
پیامدها	دانش مایه حیات و زندگی بخشش روشنایی بخشش دل و جان و نیز مایه آبادانی دل و حیات واقعی جان آدمی است.
راهبردها	مراحل کسب دانش عبارت است از: فهم، حفظ، انتشار تامین مقدمات کسب دانش لازم و ضروری است.
عوامل موثر	دانش و یادگیری آن الزاماتی دارد که از آن جمله است: اولویت بندی در آموختن دانش‌های مختلف، لزوم تعادل در آموختن برخی دانش‌ها، اهمیت فراگرفتن نیکوترین دانش و دانش سودمند یا نافع، شرط نافع بودن علم ذکر و یاد خدا در کسب آن و عمل به آن، پرهیز از دانش گمراه کننده مانند دانش بدون خرد
عوامل موثر و پیامدها	دانش که خود زینت انسان دانشور است دارای زینت است. برخی از زینت‌های دانش عبارت است از: احسان و نیکوکاری و بردباری با داشتن دانش، افتادگی و وقار و بردباری و دوری از جهل و خودپسندی، حلم، گفتار نیک، احسان، و البته مهمترین زینت دانش عمل و کردار بر اساس انش است.
شرایط علی	دانش ماهیت ویژه ای دارد. دانش کار ارادی نفس نیست و گرچه تحصیل مقدمات فهم در اختیار انسان است، لیکن وقتی مقدمات روشن شد، نفس ناچار به فهمیدن نتیجه است و

نوع مضمون در مدل پارادایمی	مضامین و مفاهیم
	به محض حصول مقدمات، علم و دانش بی اختیار حاصل می‌شود.
بستر حاکم	همچنین دانش مراتبی دارد. مرتبه پایین دانش دانش تجربی است که با ابزار مادی حاصل می‌شود و احتمال خطا داشته و به مرور تکمیل می‌شود و لذا مدام در حال تغییر است
بستر حاکم	دیگر مراتب دانش مرتبه دانش یقینی است و مراتب یقین عبارت است از علم الیقین، عین الیقین، حق الیقین. البته همه دانش‌ها در همه مراتب آن اصالتاً حضوری اند.
بستر حاکم	دیگر مرتبه دانش علوم فطری و اکتسابی بشر میباشند. به عبارت دیگر حس و عقل و فطرت سه مرتبه از علم را فراهم می‌آورند.
بستر حاکم	دانش از منظری دیگر به سه قسم آیه‌ای محکم، یا سستی جاری، یا فریضه‌ای میانه تقسیم شده است.

با در نظر گرفتن نقش مفاهیم در مدل پارادایمی و با توجه به تقسیم بندی انجام شده، مدل پارادایمی دانش از منظر اسلام در شکل ۵ ارائه شده است.



چنانچه در شکل ۶ نشان داده شد دانش به عنوان مضمون محوری در ارتباط با شرایط علی و راهبردها قرار گرفت. شرایط علی زمینه را برای شناسایی و توجه به دانش فراهم میکند. سپس با استفاده از راهبردها به کسب و نگهداری و عمل به دانش مبادرت می شود. بستر حاکم بر فرآیندهای مرتبط با دانش تاثیر مکتب اسلام را در هدف از کسب دانش، توجه به نوع دانش، و بهره گیری از مراتب مختلف دانش را فراهم می آورد. شرایط مدخله گر و یا همان عوامل موثر در تسریع ایجاد و اقدام راهبردها موثراند. در نتیجه انجام راهبردها، پیامدها رخ می نمایند. مدل پارادایمی تبیین دانش سه مضمون اصلی حاصل از نتایج تحقیق یعنی ویژگی های دانش، مراتب آن و ارزشمندی آن را در سه بخش بستر حاکم، راهبردها و نتایج متجلی می نماید.

## فهرست منابع و مآخذ

### الف. منابع فارسی

- قرآن کریم
- نهج البلاغه، ترجمه: دکتر سید جعفر شهیدی، چاپ پنجم ۱۳۷۳، انتشارات انقلاب اسلامی.
- آریان پور، منوچهر و دیگران (۱۳۷۷)، فرهنگ پیشرو آریان پور، تهران، جهان رایانه، چاپ اول، ج ۵.
- آقا محمدی، داوود؛ دهقان، نبی اله (۱۳۸۷)، راهبردهای استقرار مدیریت دانش در سازمان های نظامی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک دانشگاه عالی دفاع ملی، ش ۴۶، ۱۳۸۷.
- استراس، آنسلم و جولیت کوربین (۱۳۸۵)، اصول روش تحقیق کیفی نظریه مبنایی، بیوک محمدی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ اول، ص ۱۷.
- امام خامنه ای (مدظله) سید علی، مجموعه بیانات، قابل دسترسی در: [WWW.Khamenei.ir](http://WWW.Khamenei.ir)
- امام خمینی (ره)، سید روح الله (۱۳۸۲)، صحیفه نور، چاپ سوم، تهران، دفتر حفظ و نشر آثار امام (ره).
- بات، گانِب. دی (۲۰۰۱)، مدیریت دانش در سازمان ها: بررسی تأثیر متقابل فناوری، فنون و انسان. نشریه علوم اطلاع رسانی، دوره هجده، شماره یک و دو، صفحات هفتاد و هفت-۷۸.
- بازرگان، عباس (۱۳۸۷)، مقدمه ای بر روش های تحقیق کیفی و آمیخته، تهران، دیدار، چاپ اول، ص ۴۷ و خوی نژاد، غلامرضا؛ ص ۱۱۴.
- باقرزاده، اصغر (۱۳۸۹)، بررسی نگرش مدیران آموزشی شهر مشهد در خصوص کاربردی بودن شاخص های مدیریت در قرآن، پایان نامه کارشناسی ارشد.
- برج، جان ج؛ و نیتزکی، گری گراد (۲۰۰۱)، سیستم های اطلاعاتی در تئوری و عمل، چاپ اول، انتشارات مرکز آموزش مدیریت دولتی، تهران.
- بلیکی، نورمن (۱۳۸۴)، طراحی پژوهش های اجتماعی، ترجمه حسن چاوشیان، انتشارات نی، تهران.
- بهجت پور، عبدالکریم (۱۳۹۲)، تفسیر تنزیلی (به ترتیب نزول) مبانی اصول قواعد و فواید، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (وفات مولف بین ۴۳۶ تا ۵۸۸ ه ق)، تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ناشر مکتب العلم الاسلامی، ۱۳۶۶ ه ش.

- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۴)، هدایت در قرآن، تفسیر موضوعی جلد ۱۳، نشر اسراء، قم.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸)، تفسیر تسنیم، جلد ۱ تا ۴۳، از سال ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۵، نشر اسراء، قم.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹)، جامعه در قرآن، چاپ سوم، تفسیر موضوعی جلد ۹، نشر اسراء، قم.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹)، منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، چاپ چهارم، نشر اسراء، قم.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹)، همتایی قرآن و اهل بیت، چاپ اول، نشر اسراء، قم.
- چالمرز، آلن اف.، (۱۳۷۸)، چستی علم، ترجمه دکتر سعید زیباکلام، انتشارات سمت، تهران.
- خسرو پناه، عبدالحسین؛ ابروش، رضا (۱۳۹۱)، بررسی تطبیقی مبانی نظریه ایجاد دانش با استفاده از فرایند تبدیل دانش در سازمان ها، مجله علمی پژوهشی مدیریت فرهنگ سازمانی، ۱۱۵-۱۴۴.
- خوی نژاد، غلامرضا (۱۳۸۰)، روش های پژوهش در علوم تربیتی، تهران، سمت، چاپ اول، ص ۱۱۰ و ویمر، راجردی و جوزف آر. دومینیک؛ ص ۱۶۰.
- دیوید، فرد. آر. (۱۳۸۱)، مدیریت استراتژیک. ترجمه‌ی دکتر علی پارسایان و دکتر سید محمد اعرابی. چاپ سه. انتشارات دفتر پژوهش های فرهنگی.
- ذکایی، محمد سعید (۱۳۸۱)، نظریه و روش در تحقیقات کیفی، فصلنامه علوم انسانی، شماره ۱۷۰، دانشگاه علامه طباطبایی دانشکده علوم اجتماعی.
- رابینز، استیفن پی (۱۳۷۸)، رفتار سازمانی، ترجمه‌ی دکتر علی پارسایان و دکتر سید محمد اعرابی، انتشارات دفتر پژوهش های فرهنگ، تهران.
- رادینگ، آلن (۱۳۸۳)، مدیریت دانش، ترجمه‌ی دکتر محمدحسین لطیفی، چاپ اول، انتشارات سمت، تهران.
- راسل، برتراند (۱۳۸۴)، تاریخ فلسفه‌ی غرب، ترجمه نجف دریابندری، تهران.
- رضایان، علی (۱۳۸۱)، نقش مدیر عالی دانش در مدیریت دانش، انتشارات سمت، تهران.
- زرگر، محمود (۱۳۸۲)، اصول و مفاهیم فن‌آوری اطلاعات، چاپ اول، انتشارات بهینه، تهران.
- طباطبایی، محمد حسین (۱۳۹۲)، تفسیرالمیزان، ترجمه موسوی، محمد باقر، نشر دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- غفاریان، وفا؛ کیانی، غلامرضا (۱۳۸۰)، استراتژی اثربخش. چاپ اول، نشر فرا، تهران.
- فقهی فرهنگ، ناصر (۱۳۸۱)، مدیریت پویای سازمان، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز
- فیاضی، تعلیق نهاییه الحکمه: ۹۱۷-۱۰۳۱).

- قرائتی، محسن (۱۳۷۵)، تفسیر نور، ده جلد، انتشارات درس‌هایی از قرآن، تهران.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۲۹ه.ق)، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای ۱۳۷۹، چاپ پنجم، ۱۳۸۱، انتشارات اسوه.
- مارشال، کترین و گرچن ب. راس من؛ روش تحقیق کیفی، تهران، پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۷۷، چاپ اول، ص ۹.
- محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۷۷، میزان الحکمه، ترجمه حمیدرضا شیخی، موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث سازمان چاپ و نشر، تهران.
- مک داندل، جان (۱۳۸۱)، مدیریت دانش، (ترجمه‌ی گروه کارشناسان ایران)، چاپ یک، تهران: انتشارات کیفیت و مدیریت.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۰)، تفسیر نمونه، ۲۷ جلد، نشر دار الکتب الاسلامیه، تهران.
- نراقی، یوسف (۱۳۶۵)، روش شناسی علوم اجتماعی، نشر شرکت سهامی انتشار، تهران.
- تقی پور فر، ولی‌الله (۱۳۸۵)، اصول مدیریت اسلامی و الگوهای آن، تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی، چاپ بیست و پنجم.
- نیچه، فریدریش و دیگران (۱۳۸۱)، هرمنوتیک مدرن، گزینه جستارها، بابک احمدی و دیگران، تهران، مرکز، چاپ سوم، ص ۲۶-۹.
- یزدان پناه، احمدعلی (۱۳۸۶)، فراز و نشیب در تعریف استراتژی (بررسی تطبیقی)، دومین اجلاس بین‌المللی مدیریت راهبردی، تهران، گروه ناب، موسسه مدیریت و توسعه<sup>۱</sup>.

## ب. منابع لاتین

- Alazmi, M. & Zairi, M. (2003). knowledge management critical success factors. **Total quality management**. Vol.14, No. ۲, p۲۰۳
- Balthazard, p. & Cooke, R. (2004). **Organizational culture and knowledge management success: Assessing the behavior- performance continuum**. proceeding of 37th Hawaii International Conference on system sciences. p. ۴.
- Malhotra, Y. (2001). **Knowledge management and business model innovation**. Idea Group Publishing. p. ۳۸۴.
- Okunoye, A. (2001). **Information technology infrastructure and knowledge management in Sub-Sahran Africa**. Master's thesis, university of Turku, Finland.
- Okunoye, A. (2003). **Where the global needs the local: Variation in enablers in the knowledge management process**. university of Turku. Finland. pp. ۱۶-۱۷.



- Okunoye, A. (2003). **Knowledge management and global diversity: A framework to support organizations in developing countries**, Ph.d dissertation, university of Turku, Finland, 2003.
- Sharp, D. (2003). **KM Today: challenges and opportunities**. Information systems management. p. ۳۳.
- Thomas, J.C. and Kellogg, W.A. and Erickson, T.(2001). The knowledge management puzzle: **Human and social factors in knowledge management**. IBM systems journal. vol. 40, No. ۴, p. ۱.
- Van Engers, T.M. (2001). **Knowledge management**: The role of mental models in business systems design. p. ۲۷.